



217881 - تعداد احادیث آل بیت گرامی از احادیث دیگر اصحاب کمتر نیست

سوال

سؤال: سؤال من درباره‌ی راویان حدیث است، زیرا بیشتر احادیث پیامبر - صلی الله علیه وسلم - از طریق عائشہ و ابوهریره و عبدالله بن عمر و عبدالله بن عمرو بن العاص - رضی الله عنهم أجمعین - وارد شده است و کمتر می‌بینیم که احادیث از طریق اهل بیت، مانند علی بن ابی طالب، فاطمه، حسن و حسین - رضی الله عنهم أجمعین - وارد شده باشد. در حالی که آنها بیش از همه به پیامبر - صلی الله علیه وسلم - نزدیک هستند و بیش از همه به وی دسترسی داشته‌اند، پس چرا چنین است؟

پاسخ مفصل

الحمد لله.

موضوع روایت از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - موضوع شماره و سال‌ها نیست، بلکه باید هنگامی که به آن می‌نگریم عوامل تأثیرگذار و مهارکننده در این موضوع را نیز مورد توجه قرار دهیم، که از جمله‌ی آنها: همنشینی بسیار، عمر طولانی، مشغولیت به نقل حدیث و روایت، سن راوی هنگام همنشینی با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و ارتباط بسیار با مردم و تأثیرگذاری بر آنها و نیاز مردم به وی، همچنین توجه خود راوی به این کار، وقت گذاشتن و زحمت به خاطر آن و در تعارض نبودن اولویت‌های وی یا منصب‌های دیگرش با این امر و عوامل بسیار دیگری که در تعداد روایات راوی که برای ما نقل شده تأثیر داشته است و نباید تنها به عامل نزدیک بودن با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - توجه کرد.

بر همین اساس می‌توانیم آنچه در این سؤال آمده را توضیح دهیم:

اولاً: اینکه تعداد احادیث اهل بیت گرامی، اندک است، صحیح نمی‌باشد، بلکه بسیاری از آل بیت در زمینه‌ی روایت از مکثین می‌باشند. مثلاً علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - نزدیک به (۴۲۲) روایت دارد، در حالی که ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - فقط (۵۹) روایت دارد و عمر بن خطاب - رضی الله عنه - (۲۴۰) حدیث از او روایت شده است و عثمان بن عفان - رضی الله عنه - فقط (۹۲) حدیث دارد؛ و این یعنی احادیثی که علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - در کتاب‌های حدیثی دارد به تنهایی از مجموع روایات سه خلیفه‌ی قبلی اش بیشتر است، پس بعد از این دیگر درست نیست گفته شود که آل بیت گرامی روایاتشان در کتاب‌های حدیث کمتر است.

دوم: عائشہ و ابوهریره - رضی الله عنهم - در سال ۵۷ هجری وفات یافتدند و عبدالله بن عمرو بن العاص در سال ۶۳ هجری

و عبدالله بن عمر در سال ۷۳ هجری وفات یافت، پس طبیعی است که اینها در مدت زمان حیاتشان که تقریباً طولانی بود بتوانند احادیث بیشتری را از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - روایت کنند در نتیجه روایاتشان بسیار شود.

این در حالی است که فاطمه - رضی الله عنها - تنها شش ماه، و گفته شده سه ماه، پس از وفات پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وفات یافت.**نگا:تاریخ الإسلام (۲۹/۲)**، بنابراین نتوانست مانند دیگر صحابه روایت کرده و از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - حدیث بگوید، و همگی پیشگام بوده و نزد الله دارای فضیلت هستند.

این امر - به نظر ما - از مهمترین اسباب تفاوت تعداد روایات است و این سبب - چنانکه می‌بینی - ارتباطی به مسائل سیاسی و اعتقادی ندارد بر خلاف کسانی که تاریخ را جز از زاویه‌ی تعصب نمی‌خوانند.

سوم: سؤال‌کننده نباید فراموش کند که عبدالله بن عباس - رضی الله عنهم - که پسر عمومی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - است از مکثین در زمینه‌ی روایت است و در کتاب‌های حدیثی و روایی در حدود (۱۱۸۴) حدیث دارد، در حالی که عبدالله بن عمر بن خطاب - رضی الله عنهم - (۱۱۵۳) روایت داشته و روایات معاویة بن ابی سفیان - رضی الله عنه - از (۷۲) حدیث بیشتر نیست.

همچنین نباید فراموش کرد که امثال عبدالله بن زبیر - رضی الله عنهم -، کسی که - به ناحق - اولین شخص تحت تعقیب از سوی حاکمان دولت اموی بود، او که پسر عمه‌ی پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بوده و با این وجود در کتاب‌های حدیثی در حدود (۴۲) حدیث دارد و در مقابل روایات طلحه بن عبیدالله - رضی الله عنه - با وجود اختلافش با علی بن ابی‌طالب - رضی الله عنه - و جانبداری از مخالفانش، از (۲۱) حدیث فراتر نمی‌رود.

بنابراین مسائل سیاسی تأثیری در تعداد روایات صحابه‌ی گرامی نداشته است همانگونه که موضوع خویشاوندی با پیامبر - صلی الله علیه وسلم - و نسب ایشان تأثیری در تعداد روایات نداشته است.

چهارم: معلوم است که حسن و حسین سرور جوانان اهل بهشت در سال ۴ هجری متولد شده‌اند و این یعنی هنگامی که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - وفات یافت آنها کم‌سن و سال بوده و هنوز به بلوغ نرسیده بودند، این امری است که بدون تردید بر روایات آنها تأثیرگذار بوده است چرا که حوادث مهم را همراه با رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مشاهده نکرده‌اند و در دوران حیاتشان به حاطر پرداختن به اتحاد امت و یک‌صدا کردن آن و رفع ستم و سرکشی و حوادث جدید و فتنه‌هایی که در مدت کوتاه زندگی‌شان با آن مواجه بودند، به روایت حدیث مشغول نشدند؛ زیرا امام حسن - رضی الله عنه - در سال ۴۹ هجری وفات یافته و امام حسین بن علی - رضی الله عنهم - در سال ۶۱ هجری وفات یافت، در نتیجه مجموع روایات آنها - رضی الله عنهم - از (۲۰) حدیث بیشتر نیست.

به همین صورت: مشغولیت خالد بن ولید - رضی الله عنه - به جهاد در راه الله و حفاظت از مرزهای مسلمین، روایاتش در



کتاب‌های حدیثی بیش از ۱۰ حدیث نیست و این امر عجیبی نیست.

همسران پیامبر - صلی الله علیه وسلم - که بیش از هر کسی با وی همنشین بوده‌اند و نسبت به امور و سیرت وی - علیه الصلاة والسلام - آگاه بودند و در بزرگ‌سالی با آنها ازدواج نمود و وفاتشان نیز به تأخیر افتاد، با این وجود در کتاب‌های حدیثی تعداد اندکی حدیث از آنها روایت شده است. از جویریه - رضی الله عنها - (۵) حدیث و از حفصه - رضی الله عنها - (۲۴) حدیث و از رمله (ام حبیبه) - رضی الله عنها - (۲۱) حدیث و از زینب بنت جحش - رضی الله عنها - (۶) حدیث و از سوده بنت زمعه - رضی الله عنها - (۳) حدیث و از صفیه بنت حبی - رضی الله عنها - (۷) حدیث و از میمونه بنت حارث - رضی الله عنها - (۳۶) حدیث و از ام سلمه (هند بنت ابی امیه) - رضی الله عنها - (۱۷۴) حدیث روایت شده است؛ یعنی مجموع روایات مادران مؤمنان - به غیر از عائشه - رضی الله عنها - (۲۷۶) حدیث می‌باشد، یعنی در حدود نصف روایات یکی از آل بیت گرامی مانند علی بن ابی طالب - رضی الله عنه - .

هیچ کس نمی‌تواند در توضیح این پدیده، ادعا کند که اسباب سیاسی یا قبیله‌ای تأثیر داشته است، و هر کس چنین گمانی کند با مقتضای عقل سالم مخالفت کرده است بلکه این امر - چنانکه - گفته‌یم به تخصصی بازمی‌گردد که الله عزوجل در هر یک از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - قرار داده است، مسؤولیت برخی از آنها جهاد بوده و برخی دیگر در زمینه امور مؤمنان و یکی زندگی‌اش را در عبادت و مناسک صرف کرد و دیگری وقتی را در کار و آن یکی در امور حکومت‌داری وقتی صرف شده در نتیجه نتوانسته برای روایت حدیث خود را فارغ کند.

به همین صورت اسباب بسیاری وجود دارند که می‌توان در مورد زندگی اصحاب به آن اندیشید و یکی از آنها را صحابه‌ی گرانقدر ابوهریره - رضی الله عنه - بیان کرده است، آنجا که می‌گوید: (مَا مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَحَدٌ أَكْثَرَ حَدِيثًا عَنْهُ مِنِّي ، إِلَّا مَا كَانَ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَمْرُو ، فَإِنَّهُ كَانَ يَكْتُبُ وَلَا أَكْتُبُ) بخاری (۱۱۳) **هیچ یک از اصحاب پیامبر - صلی الله علیه وسلم - بیش از من حدیث نگفته است جز عبد الله بن عمرو، زیرا او می‌نوشت و من نمی‌نوشت.**

در اینجا ثابت می‌شود که **نوشتن** یکی از اسباب مهم در تفاوت تعداد روایات صحابه‌ی گرامی است.

ابوهریره - رضی الله عنه - همچنین به نکته‌ای مهم در رد یکی از این شباهات و بیان یکی از اسباب مهم در تفاوت صحابه در روایت اشاره می‌کند: مشغولیت یک راوی و فارغ بودن دیگری:

امام بخاری در صحیح خویش **باب حفظ العلم** (۱۱۸) از ابوهریره - رضی الله عنه - روایت می‌کند که گفت: «مردم می‌گویند که ابوهریره زیاد روایت می‌کند و اگر دو آیه در کتاب الله نبود هیچ حدیثی روایت نمی‌کردم. سپس تلاوت نمود: إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَى كسانی که نشانه‌های روشن، و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم، نهفته می‌دارند تا آنجا که می‌فرماید: **الرَّحِيم** [البقرة: ۱۵۹، ۱۶۰] ، همانا برادران مهاجر ما را، خرید و فروش در بازارها مشغول کرد و برادرانمان از انصار را کار در دارایی‌هایشان (کشاورزی) به خود مشغول داشت در حالی که ابوهریره به سیر کرد شکمش



راضی بود و پیوسته رسول الله - صلی الله علیه وسلم - را همراهی حاضر بود که آنها حاضر نبودند و چیزهایی را حفظ می‌کرد که آنان حفظ نمی‌کردند»!!

پنجم: تعیین جایگاه و فضیلت و منزلت، نزد اهل سنت بر اساس فراوان بودن روایت نیست و گرنه ابوبکر صدیق - رضی الله عنه - از نظر جایگاه از دیگران پایین‌تر می‌بود چرا که روایاتش اندک و بلکه به ندرت می‌باشد؛ بلکه معیار، فضیلتهاست که از پیامبر - صلی الله علیه وسلم - ثابت شده و بزرگواری‌هایی است که در زندگی‌نامه صحابی وارد شده است.

پنهان نیست که علی بن ابی طالب و فاطمه و حسن و حسین - رضی الله عنهم جمیعاً - نزد اهل سنت دارای فضیلت و مقام والا هستند و هیچ عاقلی از آن بی‌خبر نبوده و جز شخص جاہل یا مخالف لج‌باز آن را انکار نمی‌کند؛ چرا که نه؟ در حالی که آنها آل بیت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - و محبوبان و نزدیکانش هستند که ما را به نیکی با آنها سفارش نموده است و از فضیلتها یاشان برایمان سخن گفته و کتاب‌های حدیثی صدھا روایت در فضایل آنها روایت کرده‌اند و اگر سیاست سببی در پنهان کردن روایت آل بیت گرامی بود پنهان کردن احادیث وارده در فضیل آنها اولی‌تر و مناسب‌تر می‌بود در حالی که در کتاب‌های حدیثی و کتاب‌های عقیدتی اهل سنت صدھا حدیث در فضیل آنها - رضی الله عنهم - وارد شده است، اینها به غیر از روایاتی هستند که خودشان نقل نموده‌اند، بنابراین نیاز نداشتند که به این کار پرداخته یا در حفظ و انتشار آن به خود زحمت بدهند چرا که در میان مردم منتشر و مشهور و مورد قبول بوده است و جوینده‌ی آن به سختی نمی‌افتداده است، پس آیا این دلیلی کافی برای باطل بودن هرگونه خیال متعصبانه در فهم این قضیه نیست؟!!

امیدواریم شخص سؤال کننده را با مقداری از حقایق این باب آشنا کرده باشیم و گرنه این موضوع جزئیات بسیاری را در خود دارد و همچنین نیاز به ذکر آمارها و بازنگری بیشتری دارد.

نکته: همه‌ی اعداد ذکر شده در این پاسخ را از کتاب **المسند الجامع** گرفته‌ایم که در آن احادیث کتاب‌های ستة (شش‌گانه) و تألیفات حدیثی دیگر در آن وجود دارد و همچنین موطای مالک و مسانید حمیدی و احمد بن حنبل و عبد بن حمید و سنن دارمی و صحیح ابن خزیمه.

این کتاب‌تحقيق و ترتیب: دکتر بشار عواد معروف و ابو المعاطی محمد نوری، احمد عبدالرزاق عید و ایمن ابراهیم زمیلی ، محمود محمد خلیل می‌باشد که در ۲۲ جلد توسط دار الجیل چاپ شده است و ما اعداد را از این کتاب انتخاب کردیم زیرا تألف آن به پایان رسیده و بر اساس مسانید صحابه مرتب شده است و کتاب‌های روایی بسیاری را در خود جمع کرده است و از نظر ترتیب و شماره گذاری نیکو می‌باشد، البته باید بیان کنیم که این اعداد شامل احادیث صحیح و ضعیف می‌باشد و همچنین شامل روایت تکراری است زمانی که چند تابعی از یک صحابه‌ی گرانقدر روایت کرده باشند و نتیجه هرچه تعداد تابعین بیشتر باشد اعداد نیز بیشتر می‌شود، چنانکه در در مقدمه شرح داده شد (۱/۱۲).

والله اعلم.